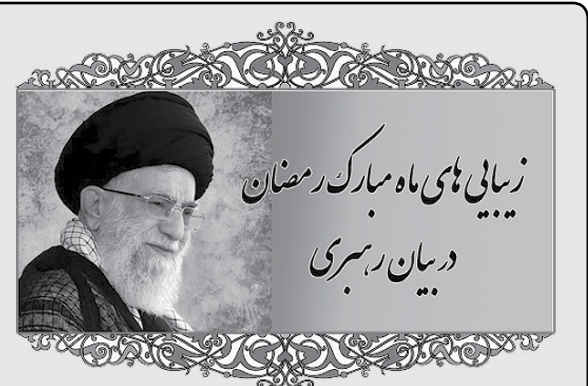


کیهان



دعا و استغفار

در سیره امیرالمؤمنین (ع)

یکی از خصوصیات امیرالمؤمنین(ع)، استغفار آن بزرگوار است.دعا و توبه و انابه و استغفار امیرالمؤمنین خیلی مهم است. شخصیتی که جنگ و مبارزه می کند، میدانهای جنگ را می آراید، میدانهای سیاست را می آراید، نزدیک به پنج سال بر بزرگ‌ترین کشورهای آن روز دنیا حکومت می کند، اگر امروز قلمرو حکومت امیرالمؤمنین را نگاه کنید، مثلاً شاید ده کشور یا چیزی در این حدود باشد؛ در چنین قلمرو وسیعی با آن همه کار و با آن همه تلاش، امیرالمؤمنین یک سیاستمدار کامل و بزرگ است و دنیایی را در واقع اداره می کند؛ آن میدان سیاست، آن میدان جنگش، آن میدان اداره امور اجتماعی‌اش، آن قضاوتش در بین مردم و حفظ حقوق انسانها در این جامعه. اینجا کارهای خیلی بزرگی است، خیلی اشتغال و اهتمام می‌طلبد و همه وقت انسان را به خودش مشغول می‌کند. در این طور جاهه، آدمهای یک بُعدی می‌گویند، دعا و عبادت ما همین است دیگر، ما در خدا کار می‌کنیم و کارمان برای خداست. اما امیرالمؤمنین این طور نمی‌فرماید. آن کارها را دارد، عبادت هم دارد. در بعضی از روایات دارد ـ البته من خیلی دنبال این قضیه تحقیق نکردم، تا ببینم روایات قابل اعتماد است یا نه ـ که امیرالمؤمنین(ع) در شبانه‌روز، گاهی هزار رکعت نماز می‌خواند! این دعا‌هایی که مشاهده می‌کنید، دعا‌های معمول امیرالمؤمنین است. دعا و تضرع و انابه امیرالمؤمنین، از دوران جوانی‌اش بود. آن روزها هم امیرالمؤمنین مشغول بود. بعد پیامبر هم یک جوان انقلابی در میدان همه کاره این طوری بود. او همیشه مشغول بود و وقت خالی نداشت؛ اما همان روز هم وقتی نشنستند و گفتند در بین اصحاب پیامبر، عبادت چه کسی از همه بیشتر است؟ ابودرداء گفت: علی. گفتند چطور؟ نمونه و مثال آورد و همه از قاع کرد که علی از همه بیشتر عبادت می‌کند. زمان جوانی، بیست و چند سالش بود؛ بعد از آن هم که معلوم است، زمان خلافت نیز همین‌طور بود.

داستانهای گوناگونی ـ مثل داستان نوف بکالسی ـ از عبادتهای امیرالمؤمنین وجود دارد. این صحیفه علویه که بزرگان جمع کرده‌اند، ادعیه مأثوره از امیرالمؤمنین است که یک نمونه‌اش همین دعای کمیل است که شما شبهای جمعه می‌خوانید. من یک وقت از امام راحل بزرگوارمان پرسیدم: در بین دعا‌هایی که هست، شما کدام دعا را بیشتر از همه می‌پسندید و بزرگ می‌شماری؟ ایشان تأملی کردند و گفتند، دو دعا؛ یکی دعای کمیل. یکی هم مناجات‌المؤمنین. احتمالاً مناجات شعبانیه هم از امیرالمؤمنین است؛ چون در روایت دارد که همه ائمه مناجات شعبانیه را می‌خواندند. من حدس قوی می‌زنم که آن هم از امیرالمؤمنین باشد. کلمات و مضامینش هم تشبیه به همین کلمات و مضامین دعای کمیل است. دعای کمیل هم دعای عجیبی است. شروع دعا با استغفار است و خدا را به ده چیز قسم می‌دهد: اللهم انی اسئلك برحمتک الی وسعت کل شیء(الصحیفه العلویه و التحفه المرتضویه، ترجمه رسولی، ص ۶۹). خدا را به رحمتش، خدا را به قدرتش، خدا را به جبروتش ـ به ده صفت از صفات بزرگ پروردگار ـ قسم می‌دهد. بعد که خدا را به این ده صفت قسم می‌دهد، می‌فرماید: اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تهتکت العین، اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تنزل النقم، اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدعا، (اقبال الاعمال (ط القدیمه، ج ۲، ص ۷۰۷) پنج نوع گناه را هم در آنجا به پروردگار عرض می‌کند: گنا‌هایی که جلو دعا را می‌گیرند، گنا‌هایی که عباد نازل می‌کنند و...یعنی از اول دعا، استغفار است؛ تا آخر دعا هم آمزش همین استغفار است. عمده مضون دعای کمیل، طلب مغفرت و آمرزش است. مناجاتی سوزناک و آتشین در طلب آمرزش از پروردگار است. این، امیرالمؤمنین است. استغفار، این است.

زنگار ز دایمی استغفار

انسان در عالی‌ترین شکل و متکامل‌ترین نوع زندگی، آن انسانی است که بتواند در راه خدا حرکت کند و خدا را از خود راضی نماید و شهوات، او را از مسیر خود نسانزد. انسان درست و کامل، این است. انسان مادی که اسیر شهوت و غضب و هواهای نفسانی و خواسته‌ها و احساسات خود است، اسیر حقیری است؛ هر چند هم به ظاهر بزرگ باشد و مقام داشته باشد. رئیس جمهور بزرگ‌ترین کشورهای دنیا و دارینده بزرگ‌ترین ثروت‌های جهان که نمی‌تواند با خواهشهای نفسانی خود مقابله و مبارزه کند و اسیر خواهشهای نفس خود است، انسان کوچکی است. اما انسان فقیری که می‌تواند بر خواسته‌های فانی آید و راه درست را ـ که راه کامل انسان و راه خداست ـ ببیند، انسان بزرگ است.

استغفار، شما را از آن حقایق نجات می‌دهد. استغفار، ما را از آن بند و زنجیرها و غلّ‌ها نجات می‌دهد. استغفار، زنگارهای دل نورانیان را که خدای متعال به شما داده است، از بین می‌برد و پاک می‌کند. دل، یعنی جان، یعنی روح، یعنی اُی هُوت واقعی انسان، این، چیز خیلی نورانی‌ای است. هر انسانی، نورانی است. انسان آنکه با خدا رابطه و آشنایی ندارد، در جوهر و ذات خود نورانیت دارد؛ منتها بر اثر بی‌معرفی و گناه و شهوت‌رانی، آن را دچار زنگار کرده است. استغفار، این زنگار را از بین می‌برد و نورانیت می‌بخشد.

ضرورت آمادگی برای نشئه آخرت

ماه رمضان، وقت استغفار و دعا و انابه است. از اوّل شب بیست و‌سوم، از هنگام غروب آفتاب، سلام الهی ـ سلام‌هی حتّی مطلع‌الفجر(سوره قدر، آیه۵) ـ شروع می‌شود، تا وقتی که از آن صبح آغاز می‌گردد. این چند ساعت این وسط، سلام الهی و اهل الهی و خیمه رحمت خداست که بر سراسر آفرینش نازل شده است. آن شب، شب عجیبی است؛ بهتر از هزار ماه، نه برابر آن؛ خیرٌ من ألف شهر(سوره قدر، آیه ۳). هزار ماه زندگی انسان، چقدر می‌تواند برکات و وجود آورد و جلب رحمت و خیر کند! این یک شب، بهتر از هزار ماه است. این، خیلی اهمیت دارد. این شب را قدر بدانید و آن را به دعا و توبه و تضرع و تامل در آثار خلقت و تأمل در سرنوشت انسان و آنچه که خدای متعال از انسان خواسته است و بی‌اعتباری این زندگی مادی و اینکه همه این چیزهایی که می‌بینید، مقدمه آن عالمی است که لحظه جان دادن، دروازه آن عالم است، بگذرانید.

لحظه جان دادن، ما وارد عالم دیگری می‌شویم. برای آن روز، خودمان را باید آماده کنیم. همه این ثروت‌ها، همه این انرژیهایی که خدای متعال در وجود شما در این عالم به ودیعه گذاشته است، همه آنچه که خدا برای بشر خواسته است ـ حکومت عادلانه، زندگی مرقه، چه و چه و چه ـ برای این است که انسان فرصت پیدا کند تا خود را برای نشئه آن عالم آماده نماید. خود را آماده کنید، با خدا آشنا بگردید، با خداوند مناجات کنید، ذکر بگویید و استغفار کنید. آن وقت انسانهایی که این طور رو به خدا می‌آورند و دل خود را تطهیر می‌کنند و از گناه رو برمی‌گردانند و تصمیم بر عمل خیر می‌گیرند، موجودات عظیمی هستند که در رویارویی با مشکلات این عالم، می‌توانند مقابله کنند. یک نمونه‌اش، امام بزرگوار ماست؛ نمونه‌های دیگری، مؤمنین جامعه خود ما هستند؛ این جوانان مؤمن و نستوه، این زنان و مردان، آنهایی که شهید شدند، آنهایی که جانباز شدند، آنهایی که زندانهای سخت دوران اسارت را تحمل کردند، آنهایی که فراق عزیزان را تحمل کردند، آنهایی که سختیهای میدان جنگ را تحمل کردند، هر یک از اینها، یک نمونه ممتاز و عالی هستند که جا دارد هر کدلی که نفر از این شهدا داشته باشد، او را تحلیل کند؛ او را بزرگ بدارد و الگو قرار دهد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۷۵/۱۱/۱۲

و جوب فوری توبه

کسی که گناه می‌کند نه تنها از خدا و فضل و رحمتش دور شده، بلکه در معرض خشم و غضب الهی قرار می‌گیرد؛ از همین رو باید ترسان و هراسان باشد و به محض آگاهی نسبت به خطا، بسا ندامت و عذرخواهانه به درگاه الهی بازگردد و توبه کند. لذا از نظر قرآن، فوریت توبه واجب و ضروری و تاخیر در آن گناه است؛ زیرا تاخیر در توبه به معنای جرات و تجرّی نسبت به خدا است؛ شخص با تاخیر نشان می‌دهد که هیچ واهمه‌ای از خدا و خشمش ندارد و غضب الهی در نظرش کوچک است.

خدا در بیان شرایط قبولی توبه می‌فرماید: توبه نزد خداوند تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند سپس بزودی توبه می‌کنند؛ اینانند که خدا توبه شان را می‌پذیرد و خداوند دانای حکیم است.(نساء، آیه ۱۷)

در این آیه افزون بر شرایط قبولی توبه به فوریت آن به عنوان اصل اساسی در توبه توجه

جبران می‌کند. بنابراین، وقتی گفته می‌شود: کفی بالندم توبه؛ پشیمانی به عنوان توبه کفایت می‌کند. (الکافی، ج ۲، ص ۴۲۶) به این معنا است که پشیمانی که در وقت و زمان خودش انجام بگیرد، در حکم توبه بوده و پذیرفته می‌شود.

به سخن دیگر پشیمانی پس از ارتکاب عمل زشت، اگر با تاخیر و در زمان مجازات باشد، سودی ندارد؛ زیرا بسیاری از مجرمان تا زمانی که دستگیر نشدند و مجازات و کیفری را احتمال ندهند، دست از جرم و جنایت بر نمی‌دارند، اما همین که احساس

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

توبه به معنای بازگشت و رجعت و در اصطلاح قرآنی، بازگشت بنده به سوی خدا از خطا و گناه، و بازگشت خدا به سوی بنده با پذیرش توبه و قبولی آن است؛ بنابراین، توبه غیر از انابه است که به معنای انقطاع از غیر خدا به سوی خدا است. توبه، زمانی شکل می‌گیرد که شخص پس از آگاهی و شناخت به گناه و خطا به سرعت از آن عمل پشیمان شده و توبه کرده و به اصلاح امر خطا و گناه بپردازد.
از نظر قرآن، توبه در زمان خودش باید اتفاق بیفتد تا تأثیر مثبت به جا گذارد؛ از همین رو در آیات و روایات تأکید بسیاری بر سرعت و شتاب در توبه شده و تاخیر و تسویف را گناه دانسته است.

موجب می‌شود تا شخص در شرایطی قرار گیرد که توبه کند و به اصلاح امر خویش بپردازد.(اعراف، آیه ۱۶۸، توبه، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶؛ قلم، آیات ۱۷ تا ۳۲)
۶- توجه به رحمت و غضب الهی: انسان مومن می‌بایست همواره میان خوف و رجا باشد؛ به این معنا که امید به رحمت الهی و خوف از غضب الهی موجب می‌شود تا تعادل در رفتار انسان حاکم شود. پس امید بیجا و خوف نابجا موجب می‌شود تا انسان سقوط کند؛ زیرا رحمت بیجا به

کسی که گناه می‌کند نه تنها از خدا و فضل و رحمتش دور شده، بلکه در معرض خشم و غضب الهی قرار می‌گیرد؛ از همین رو باید ترسان و هراسان باشد و به محض آگاهی نسبت به خطا، ندامت و عذرخواهی به درگاه الهی بازگردد و توبه کند. لذا از نظر قرآن، فوریت توبه واجب و ضروری و تاخیر در آن گناه است؛ زیرا تاخیر در توبه به معنای جرات و تجرّی نسبت به خدا است؛ شخص با تاخیر نشان می‌دهد که هیچ ترس و واهمه‌ای از خدا و خشمش ندارد و غضب الهی در نظرش کوچک است.



توبه؛ چرا و چگونه؟

معنای آن است که انسان جرات یابد هر کاری را انجام بدهد بی‌آنکه از تبعات و پیامدهای زیانبار آن هراس داشته باشد؛ کسی که احساس امنیت کاذب داشته باشد، به خود ضربه می‌زند و با جرات و گستاخی خود را در دام غضب الهی می‌افکند که راه‌گریزی از آن نیست؛ همچنان‌که خوف نابجا موجب می‌شود که انسان دچار نومیدی شود و با یأس از رحمت خدا، دنبال توبه و اصلاح خطا نرود بلکه در باتلاق گناه غرق شود. بر همین اساس، توجه به رحمت و غضب الهی در ساختار خوف و رجا می‌تواند انسان را در مسیر توبه قرار دهد تا این گونه از غضب الهی به سبب گناه و خطا در امان ماند و از رحمت الهی نیز نومید نشود و بداند که توبه نه تنها گناهانش را از بین می‌برد بلکه در رحمت گشوده شده و بدی و زشتی به نیکی تبدیل می‌شود.(توبه، آیات ۱۰۲ و ۱۰۴ و ۱۱۷ و ۱۱۸؛ غافر، آیه ۱۰۶؛ اعراف، آیه ۱۵۳؛ فرقان، آیه ۷۰)

۷.تقوای الهی: کسانی که اهل تقوای الهی هستند از خدا خشیت داشته و بر آن هستند تا به گونه‌ای رفتار کنند که خدا از آنان راضی باشد و اگر خطایی کردند جبران و اصلاح کنند. پس تقوای الهی و خداترسی نقش اساسی در توبه کار شد شخص دارد.(حجرات، آیه ۱۲)

۸. توفیق الهی: خدا باید توفیق بدهد که شخص در شرایطی قرار گیرد که انگیزه توبه و اصلاح امر در او ایجاد شود. در حقیقت این توفیق الهی است که توبه را رفیق فکر و رفتارش می‌کند. (بقره، آیات ۲۷ و ۵۴ و ۶۴ و ۱۲۸ و ۱۶۰ و ۱۸۷) البته در آیات قرآن بیان شده که چه کسانی با چه شرایطی از توفیق الهی بهره مند می‌شوند که در جای خود به آن پرداخته شده است.

۹. ذکر الهی و استغفار و استعاذه: کسی که توفیق توبه می‌یابد که اهل ذکر (آل عمران، آیه ۱۳۵، نصر، آیه ۳) و استغفار(نساء، آیه ۶۴؛ آل عمران، آیه ۱۳۵) و استعاذه(توبه، آیه ۱۱۸) باشد، یعنی دنبال غفران الهی و قرار گیری در پناهگاه امن او باشد؛ زیرا اگر شخص بداند که هیچ پناهگاهی جز خود خدا نیست، به طور فطری از خدا به سوی خدا می‌رود و می‌گوید: اعوذ یک منک.

۱۰. چهل سالگی: انسانی که به میانسالگی برسد، باید ابعاد گوناگون در شرایطی قرار می‌گیرد که اهل توبه می‌شود؛ زیرا بیشتر افسران به بلوغی می‌رسند که آنان را نسبت به آینده و آخرت خویش دلنگران می‌سازد. (احقاف، آیه ۱۵)

۱۱. اصلاح: انسانی که دنبال توبه است باید تلاش کند تا خطا و معصیت را اصلاح کرده و به نوعی جبران کند. این جبران کند با عذرخواهی یا ندامت یا امور دیگری انجام می‌شود. پس کسی که نیت اصلاح نکرده و حتی عذرخواهی نمی‌کند تا انسان در آن نیت اصلاح نخواهد داشت.

خدا بارها به این نکته توجه می‌دهد که توبه می‌بایست با اصلاح امر همراه باشد؛ زیرا یقیناً فساد نمی‌تواند بازگشتی را تضمین کند که موجب ندامت و سازنده باشد.(بقره، آیه ۱۶۰؛ آل عمران، آیه ۸۹؛ نساء، آیه ۱۶)

منصور حسینی

خواهند بود که خدا را حاضر و ناظر به کار خویش دانسته و علم الهی را به معنای بصیرت و شهود و رویت بدانند و بر این باور باشند که خدا آنان را می‌بیند.(علق، آیه ۱۴) پس علم انسان به علم الهی نسبت به افکار و رفتار و نیت و اعمال موجب می‌شود تا انسان از خطا و گناه و معصیت خویش توبه کند و خشم الهی را از خود دور ساخته و رحمت را به خود جلب کند.(نساء، آیه ۱۷؛ توبه، آیات ۱۰۴ و ۱۰۵)

۳. علم به قبولی توبه از سوی خدا: از دیگر عوامل که زمینه توبه را فراهم می‌آورد، علم انسان به اینکه خدا توبه پذیر است و عذر و توبه و ندامت توبه کار را می‌پذیرد. چنین علم و ایمانی موجب می‌شود تا انسان دنبال توبه برود.(مائده، آیات ۳۴ و ۳۹؛ عمران، آیه ۸۹؛ مائده، آیات ۳۴ و ۳۹ و ۴۰) که خدا توبه‌پذیر است و حتی اگر بارها توبه شکسته باشد، باز توبه آنان را می‌پذیرد اهل توبه می‌شوند و پس از خطا و معصیت بی‌درنگ توبه می‌کنند تا مشمول رحمت شده و از غضب الهی در امان مانند. (آل عمران، آیه ۸۹؛ مائده، آیات ۳۴ و ۳۹ و ۴۰)

۴. عبادت خدا: کسی که بخواهد توبه‌اش پذیرفته شود باید اهل اطاعت و بندگی خدا باشد و در عبودیت و عبادت کم نگذارد؛ زیرا چنین شخصی خدا را بنده است و تنها او را ولی مطلق و بر خود و هستی می‌داند.(هود، آیات ۳ و ۶۱)
۵. سختی و بلا: انسانی که در آرامش و آسایش باشد، کمتر به فکر خودسازی و بازسازی افکار و رفتار است؛ اما وقتی با بلا یا سختی‌ها

انسانی که دنبال توبه است باید تلاش کند تا خطا و معصیت را اصلاح کرده و به نوعی جبران کند. ایمن جبران کردن با عذرخواهی یا ندامت یا امور دیگری انجام می‌شود. پس کسی که دنبال توبه نیست هرگز دنبال اصلاح نمی‌رود و نیت اصلاح نخواهد داشت. خدا بارها به این نکته توجه می‌دهد که توبه می‌بایست با اصلاح امر همراه باشد؛ زیرا بقای فساد نمی‌تواند بازگشتی را تضمین کند که مفید و سازنده باشد.

مواجه می‌شود، احساس می‌کند که نیازمند توبه و استغفار است. از همین رو وقتی حضرت یونس(ع) خود را در بلا و فتنه الهی یافت، نسبت به خطای خویش؛ یعنی ترک اولای خود، آگاه شده و توبه کرد.(انبیاء، آیه ۸۶) خدا در قرآن بیان می‌کند که قرار گرفتن انسان در آزمون‌ها و ابتلائات الهی

عوامل مهم بازسازی شخصیت

مواجه می‌شود، احساس می‌کند که نیازمند توبه و استغفار است. از همین رو وقتی حضرت یونس(ع) خود را در بلا و فتنه الهی یافت، نسبت به خطای خویش؛ یعنی ترک اولای خود، آگاه شده و توبه کرد.(انبیاء، آیه ۸۶) خدا در قرآن بیان می‌کند که قرار گرفتن انسان در آزمون‌ها و ابتلائات الهی

قرآن و بازسازی شخصیت انسان

پوشاندن یاد می‌کنند به‌گونه‌ای که گویی انجام نشده است. (مفردات راغب اصفهانی ص ۷۱۴) این پوشاندن گناه با انجام اعمال صالح تحقق می‌یابد. شخص با توبه، از اندیشه گناه و عمل به آن بازمی‌گردد و در اندیشه هنجارها و رفتار درست و صالح می‌شود و پوشاندن تلاش می‌کند تا با عمل به هنجارهایی خاص، هر گونه تلاش‌ناهنجاری و آثار آن را از خود بزداید. شخصی که نیت‌ناهنجاری را انجام می‌دهد هر چند با توبه از نظر فکری و روحی به آرامش دست می‌یابد ولی آثار ناپهنجاری در وجود و شخصیتش باقی می‌ماند و لکه‌هایی سیاه هنوز در ته دل او برقرار است، از این رو نیاز است تا با اعمال نیک و زنگارها و لکه‌های باقی‌مانده را بزداید.

عوامل مهم بازسازی شخصیت

قرآن اعمال صالح را عامل اصلی پوشاندن گناهان و زدودن زنگارهای آن می‌داند.(هود آیه ۱۱۴) البته پیش از آنکه شخص به اعمال صالح رو آورد امید به خداوند است که موجب می‌شود تا گناهان را با اعمال صالح بپوشاند. (تحریم ۸)

صفحه ۷

سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

۲۴ رمضان ۱۴۴۳ – شماره ۳۳۰۱۱

چراغ راه

ویژگی‌های دینمداران واقعی

قال الامام علی(ع): «لا یقیم امر الله سبحانه الا من لا یضائع.

و لا یضارع و لا یتبع المطامع.»
امام علی(ع) فرمود: فرمان و حکم خدا را بر پا ندارند، جز آن کسی که در اجرای حق سازشکار نباشد. در مقابل دیگران ذلیل و خوار نشود، و پیرو طمع‌ها نگردد.^(۱)

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۱۱۰

حکایت خوبان

اوصاف خوارج و جاهلین متنسک

وقتی خوارج در مقابل امام علی(ع) طغیان و شورش کردند، حضرت «ابن عباس» را سراغ آنها فرستاد، هنگامی که برگشت، اوصاف آنها را برای حضرت چنین نقل کرد: پیشانی‌هایشان از کثرت سجده مجروح شده و دست‌هایی که مثل زانوی شتر پینه بسته است. لباس‌های کهنه زاهدانه‌ایانه به تن دارند. از همه بالاتر قیافه مصمم و تصمیم قاطع اینها است.^(۱) امام علی(ع) هم این طبقه جاهلین متنسک را این‌گونه توصیف می‌کند: درشت‌خوانی پست، بردگانی فرومایه‌اند که از هر گوشه‌ای گرد آمده و از گروه‌های مختلفی ترکیب یافته‌اند. مردمی که سزاوار بودند، احکام دین را بیاموزند و تربیت شوند و دانش فراگیرند و کارآموده شوند و سرپرست داشته باشند و دستگیری‌شان کنند و آنها را به کار مفید وادارند. آنها نه از مهاجرانند و نه از انصار و نه آنان که خانه و زندگی خود را برای مهاجران آماده کرده و از جان و دل ایمان آوردند.^(۲)

۱- العبدالفرید، ج ۲، ص ۲۸۹

۲- نهج‌البلاغه- خطبه ۳۳۸

پرسش و پاسخ

چالش‌های امام علی(ع)

پرسش:

امام علی(ع) زمانی که زعامت و پیشوایی مسلمانان را بعد از اقبال آنها به عهده گرفت، چه موانع، مشکلات و چالش‌هایی را فرا روی خود داشت که باید با آنها مقابله می‌کرد؟

پاسخ:

پیش‌بینی مشکلات

امام علی(ع) پیوسته در دوران خلافت خلفا از بیان این مطلب که خلافت حق مسلم او است خودداری نمی‌کرد. در عین حال بعد از کشته شدن عثمان م مردم ریختند به خانه علی(ع) و اصرار فراوان کردند که با او بیعت کنند و وی زمام امور را به دست گیرد، اما امام علی(ع) در بدو امر امتناع کرد و از پذیرش خلافت کراهت داشت، «دعونی و التمسوا لی» مرا رها کنید و بروید دنبال کسی دیگر(نهج‌البلاغه- خطبه ۹۲) بعد خود امام علت امتناع را توضیح می‌دهد که اوضاع فوق‌العاده آشفته است و یک آینده آشفته‌تر در جلوی ما است. «فانا مستقبلون امره لا وجهه و الوان» یعنی ما جریان را در پیش داریم که رنگ‌های مختلف و چهره‌های گوناگون دارد و در پایان به عنوان اتمام حجت اعلام می‌کند که اگر من زمام خلافت را به دست گیرم، آنچنان رفتار می‌کنم که خودم می‌دانم نه آنچنان که شما می‌خواهید(همان، این سخنان نشان می‌دهد که امام علی(ع) مشکلات فراوانی را در دوره خلافت خود پیش‌بینی می‌کرد، اما مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات امام علی(ع) عبارت‌اند از:

اهم مشکلات امام علی(ع)

۱- مشکل نفاق

اولین مشکل امام علی(ع) داستان کشته شدن عثمان بود. امام علی(ع) وارث خلافتی می‌شد که خلیفه قبل از او را انقلابی‌هایی که انقلاب کرده‌اند کشته‌اند، و حالا به علی(ع) پیوسته‌اند. همه مردم که مثل این انقلابی‌ها فکر نمی‌کنند و خود علی(ع) هم فکرش نه با انقلابی‌ها می‌خواند و نه با مخالفین آنها و نه با عامه مردم(مخالفان امام علی(ع) با مخالفان پیامبر این تفاوت را داشتند که مخالفان پیغمبر(ص) عده‌ای کافر و بت‌پرست بودند، وحتی لواط بی‌پرستی و پرستش پیدا می‌کرد با پیغمبر(ص) مبارزه می‌کردند. منکر خدا و توحید بودند و آن را علنی هم می‌گفتند! اما امام علی(ع) با یک طبقه ندای بی‌دین مواجه شده که متظاهر به اسلام‌اند، ولی مسلمان واقعی نیستند. شعارهایشان اسلامی و هدف‌هایشان ضد اسلام است. این مشکل نفاق در صفوف پیروان امام علی(ع) بعدها منجر به دو جنگ جمل و صفین در برابر امام علی(ع) شد.

۲- انعطاف ناپذیری در اجرای عدالت

مشکل دیگر امام علی(ع) مربوط به سیره نظری و عملی خودش بود. از یک طرف مسلمانان از ارزش‌های الهی خود دور شده بودند و در یک جامعه بیمار پرورش پیدا کرده بودند؛ از سوی دیگر علی(ع) رهبری بود برانقلاب‌پذیر در اجرای عدالت. بعد از پیامبر(ص) امام علی بود که جامعه اسلامی عادت کرده بود به امتیاز دادن به افراد متنفذ، و علی(ع) در این زمینه صلابت عجیبی نشان می‌داد و می‌فرمود: من کسی نیستم که از عدالت یک سرومویی منحرف شوم. حتی اصحابی می‌آمدند و می‌گفتند: آقا! یک مقدار انعطاف داشته باشید. حضرت پاسخ می‌فرمود: «تاأمرونی انی اطلب النصر بالجور» از من تقاضا می‌کنید که پیروزی و موفقیت در سیاست را به قیمت ستمگری و پامال کردن حق مردم معیض به دست آورم؟ به خدا قسم تا شبی و روزی در دنیا هست تا ستاره‌ای در آسمان در حرکت است چنین چیزی عملی نیست. (نهج‌البلاغه- خطبه ۱۲۶)

۳- صراحت و صداقت در سیاست

مشکل سوم امام علی(ع) که عده‌ای از دوستانش نیز آن را نمی‌پسندیدند، مسئله صراحت و صداقت او در سیاست بود. می‌گفتند: سیاست این همه صداقت و صراحت را بر نمی‌تابد، یک مقدار خدعه و دغلیازی هم باید در آن قاطی کرد. چاشنی سیاست تبلیغاتی است و حتی بعضی‌ها می‌گفتند: علی(ع) سیاست دماغیه را ببین چقدر سیاستمدار است. امام علی(ع) در پاسخ آنها می‌فرمود: «یه خاد قسم اشتباه می‌کنید، ماویمه از من زیر کتر نیست، او دغلیاز و فاسق است. من نمی‌خواهم دغلیازی کنم و از جاده حقیقت منحرف شوم و مرتکب فسق و فجور بشوم. اگر نبود که خدای تبارک و تعالی دغلیازی از دشمن می‌دارد. آن وقت می‌دیدید که زرنگ‌ترین مردم دنیا علی است.» (نهج‌البلاغه- خطبه ۱۹۱)

۴- پیدایش خوارج مشکل اساسی علی(ع)

تفاوت‌های میان اوضاع پیامبر(ص) و امام علی(ع) یکی این بود که پیامبر(ص) با مردم کافر و بت‌پرست و کفر صریح و عریان روبه‌رو بود در حالی که امام علی(ع) با کفر زیر نقاب اسلام عینی نفاق روبه‌رو بود. تفاوت دوم این بود که در دوره خلفا به ویژه عثمان آن مقداری که باید و شاید دنبال تعلیم و تربیت دینی زمان پیامبر(ص) را گرفتند و در طرف دیگر توفحات زیادی بدون پشتوانه شناخت فرهنگ اسلامی صورت گرفت که در نتیجه آن طبقه‌ای در جامعه مسلمانان مقدس‌مآب و متنسک به وجود آمد که با روح فرهنگ اسلام آشنا نبودند و فقط به پوسته چسبیده بودند این گروه طبقه متعبد جاهل و خنک مقدسان خوارج بودند، که مشکلات فراوانی را برای حضرت به وجود آوردند.

صفحه کفر ف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شودتلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱Maarefkayhan@Kayhan.ir